

## الدراسات الفقية المقارنة

سنة الثاني، رقم الرابع، الخريف والسَّنة ١٤٠١ ش

10.22034/FIQH.2022.354395.1093

# دراسة مقارنة لأنواع الملابس النسائية وآثارها الاجتماعية من وجهة نظر فقهاء المذاهب الإسلامية<sup>١</sup>

زهرا محمدى<sup>٢</sup>

محمد معينى فر<sup>٣</sup>

حسين رجبى<sup>٤</sup>

رضا اسفنديارى (اسلامى)<sup>٥</sup>

[تاريخ الاستلام: ١٤٠١/٠٥/١٠؛ تاريخ القبول: ١٤٠١/٠٧/٢٦ هـ ش]

## المستخلص

تعتبر قضية تغطية المرأة وحجابها من أحكام الإسلام المهمة التي تتجلى بشكل أكبر بالنظر إلى أهمية ومكانة المرأة في قوة الأسرة وصحة المجتمع ولهذا السبب اهتمت المذاهب الفقهية المختلفة بأبعادها المختلفة ما هي الآثار الاجتماعية على لباس المرأة وحجابها؟ ما هو أهم الاختلاف في رأي الفقهاء في هذا المجال؟ فأى رأي أكثر انسجاماً مع الآيات الإلهية والسيرة النبوية؟ وعليه فقد حللت هذه المقالة آراء المذاهب الفقهية الخمسة في هذا المجال بمنهج الوصفي التحليلي، وتوصلت إلى نتيجة مفادها أن الفقه الإمامي والسني لهما رأي مشترك في مبدأ ضرورة الحجاب وضرورة تغطية الحجاب وذكروا أن لباس المرأة من ضروريات وجود المرأة في المجتمع.

## كلمات المفتاحية: غطاء نسائي، حجاب الإسلامي، نطاق الحجاب.

١. هذا المقال مأخوذ من: زهرة محمدى، «دراسة مقارنة لأنواع الملابس النسائية وآثارها الاجتماعية من وجهة نظر فقهاء المذاهب الإسلامية»، رسالة دكتوراه، المشرفين: محمد معين، حسين رجبى، كلية المذاهب، جامعة الأديان والمذاهب، قم، إيران، ١٤٠١

٢. طالب دكتوراه في المذاهب الفقهية، جامعة الأديان والمذاهب قم، إيران (المؤلف المقابلة) zahramoh110@yahoo.com

٣. دكتور في قسم المذاهب الكلامية، جامعة الأديان والمذاهب قم، إيران mohagegkaraki@yahoo.com

٤. دكتور في قسم المذاهب الكلامية، جامعة الأديان والمذاهب، قم، إيران h.rajabi@urd.ac.ir

٥. استاذ في قسم المذاهب الكلامية، جامعة الأديان والمذاهب، قم، إيران r.eslami1395@chmail.ir

## بررسی تطبیقی انواع و آثار اجتماعی پوشش بانوان از دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی<sup>۱</sup>

زهرا محمدی<sup>۲</sup>

محمد معینی فر<sup>۳</sup>

حسین رجبی<sup>۴</sup>

رضا اسفندیاری (اسلامی)<sup>۵</sup>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۶]

### چکیده

مسئله پوشش و حجاب زنان از احکام مهم دین اسلام است که با عنایت به اهمیت و جایگاه زنان در استحکام خانواده و سلامت جامعه این موضوع جلوه بیشتری می یابد و به همین دلیل مذاهب مختلف فقهی به ابعاد گوناگون آن توجه و احکام مختلفی را بیان کرده اند. باید دید که با توجه به اختلاف دیدگاه میان مذاهب فقهی، چه آثار اجتماعی ای بر پوشش و حجاب بانوان مترتب است؟ مهم ترین اختلاف دیدگاه فقها در این زمینه چیست؟ نظر کدام یک از آنان مطابقت بیشتری با آیات الهی و سنت نبوی دارد؟ از این رو این نوشتار با روش کتابخانه ای و با رویکرد توصیفی - تحلیلی دیدگاه مذاهب پنج گانه فقهی را در این زمینه بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که فقه امامیه و اهل سنت در خصوص اصل ضرورت حجاب و پوشش اشتراک نظر دارند و پوشش زن را یکی از لوازم حضور زن در اجتماع بیان کرده اند؛ اما در خصوص کیفیت و محدوده پوشش بین آنان اختلاف نظرانی دیده می شود که ناشی از برداشت ها و اجتهادات فقهی از روایات است.

**کلیدواژه ها:** پوشش زنان، حجاب اسلامی، محدوده حجاب.

۱. این مقاله برگرفته از: زهرا محمدی، «بررسی تطبیقی انواع و آثار اجتماعی پوشش بانوان از دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی»، رساله

دکتری، اساتید راهنما: محمد معینی فر، حسین رجبی، دانشکده مذاهب، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۴۰۱ است.

۲. دانشجوی دکتری مذاهب فقهی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول) zahramoh110@yahoo.com

۳. استادیار گروه مذاهب کلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران mohagegkaraki@yahoo.com

۴. استادیار گروه مذاهب فقهی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران h.rajabi@urd.ac.ir

۵. دانشیار گروه مذاهب فقهی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران r.eslami1395@chmail.ir

## مقدمه

پوشش و حجاب که از آن به لباس نیز تعبیر می‌شود، در قرآن کریم به دو گونه معنوی (لباس تقوی) و ظاهری معرفی شده و هر دوی آنها برای تکامل و سعادت انسان در زندگی دنیوی و اخروی لازم و ضروری شمرده شده‌اند؛ از این رو خداوند متعال پوشش ظاهری را جزء امور فطری انسان قرار داده و با بیان قصه حضرت آدم و حوا، انسان را به رعایت پوشش ظاهری امر کرده است (اعراف: ۲۲؛ طه: ۱۲۱). پیشینه پوشش را می‌توان به اندازه پیشینه خلقت انسان دانست که با تشکیل اجتماع دو نفره، حضرت آدم و حوا متوجه تفاوت خود با دیگر موجودات در زمینه ستر عورات شده و به صورت فطری اقدام به تهیه لباسی از برگ درختان برای خود کرده‌اند (شیخ طوسی: ۱۳۸۲: ۲۱۸/۷؛ مکارم شیرازی، بی‌تا: ۱۱۸/۶). این موضوع با افزایش تعداد انسان‌ها، گسترش جوامع بشری و نیز احتیاج آنان به روابط اجتماعی و خانوادگی اهمیتی دوچندان یافت و در طول تاریخ نیز با وجود تغییراتی که ناشی از آداب و رسوم اقوام و ملت‌ها بوده، اهمیت خود را حفظ کرده و ابزاری برای رشد معنوی انسان و راهی برای کنترل غرایز و امیال نفسانی و در نتیجه زمینه‌ای برای تحصیل تقوا و عاقبت به خیری بیان شده است (رک: حسنلو: ۱۳۹۲: ۴۴-۴۸؛ حداد عادل: ۱۳۷۴: ۶۸).

بعد از بعثت پیامبران الهی، مسئله پوشش به دلیل اهمیت و جایگاهش از یک موضوع فطری به یک امر شرعی تبدیل شده و هر کدام از پیروان ادیان الهی، با وجود اختلاف در محدوده و میزان رعایت پوشش، در اصل آن باوری مشترک دارند و خود را مکلف به رعایت آن دانسته‌اند. در دین مبین اسلام نیز دستوراتی در این زمینه وارد شده و فقهای مذاهب، با وجود اختلاف در مبانی و روش‌های اجتهاد، این موضوع را از ابعاد مختلف بررسی و احکام مربوط به مسئله پوشش و حجاب را تبیین کرده‌اند.

در این زمینه پژوهش‌هایی نیز صورت گرفته و هر کدام یکی از ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی، امنیت جسمی و روانی و امثال آنها را مطرح کرده است که می‌توان به مواردی مانند مقاله «واکاوی فقهی حجاب در مذاهب اسلامی و تأثیر و کارکرد آن در خانواده و اجتماع» نوشته سعیده طاهری و جواد خاتمی در پژوهشنامه فقه و حقوق نوین و نیز مقاله «بررسی لزوم و حدود حجاب در فقه اهل تسنن» نوشته محمدهادی فاضل در پژوهشنامه مطالعات راهبردی زنان اشاره کرد. نقطه تفاوت این نوشتار با موارد مشابه آن است که در این مقاله موضوع پوشش و حجاب از نگاه فقه مذاهب اسلامی به صورت تطبیقی بررسی و نظرات مهم فقهای مذاهب اسلامی و نقاط اشتراک و افتراق آنان در سه محور مخاطبان پوشش و حجاب، انواع حجاب و محدوده حجاب تبیین شده است. با توجه به محتوای مقاله می‌توان وجه تمایز و نوآوری این نوشته را اموری مانند تطبیقی بودن محتوا بین همه مذاهب فقهی اسلامی، تحلیل و استنباط حکم کلی حجاب و پوشش از نظرات فقها در زمینه حجاب صلاتی و احکام بلوغ، تحلیل فقهی با رویکرد سلامت فردی و اجتماعی بانوان و اموری از این دست دانست.

## ۱. جایگاه حجاب و پوشش

موضوع حجاب و پوشش با وجود تمام فراز و فرودهایی که در طول تاریخ داشته، از آنجا که این امر فطری برای انسان محسوب می‌شود، توانسته است جایگاه و اهمیت خود را در همه جوامع، به خصوص جامعه اسلامی، حفظ کند. از این رو می‌توان گفت مهم‌ترین زمینه شکل‌گیری و قوام جامعه، خانواده و حتی تربیت فرزندان به این موضوع وابسته است و همه جامعه، اعم از زنان و مردان، باید خود را مخاطب حفظ پوشش و حجاب بدانند.

تأثیر مثبت حجاب زنان بر سلامت و استحکام خانواده و جامعه اسلامی به قدری است که حتی جوامع غیراسلامی نیز یکی از رمزهای مهم پیروزی اسلام و حکومت اسلامی را رعایت حدود روابط مسلمانان و نوع پوشش آنان یافته‌اند و به همین دلیل حجاب بانوان را که در فرهنگ اسلامی مرییان خانواده و جامعه محسوب می‌شوند، هدف حملات فکری و برنامه‌های ضدارزشی خود قرار داده‌اند و تا حدودی نیز موفق به ایجاد شبهاتی در ذهن افراد جامعه شده‌اند. از این رو در ادامه ابتدا مخاطبان حجاب، سپس نحوه تعامل جامعه با این موضوع را بررسی خواهیم کرد.

### ۱-۱. مخاطبان حجاب

مطابق آیات قرآن کریم، پوشش و حجاب امری فطری برای انسان است و نمادی از سلامت نفسانی و اجتماعی مسلمانان شناخته می‌شود و از آن با عناوینی مانند حجاب و ستر تعبیر شده که شامل همه زنان و مردان می‌شود؛ چنانکه قرآن کریم فرموده است: «یواری سواتکم» (نور: ۱۲۱) و بایک خطاب عام، رعایت پوشش را بر نوع انسان لازم دانسته است. به همین دلیل رعایت پوشش در جامعه اسلامی مختص به جنسیت خاصی نیست و رابطه‌ای سه‌جانبه در نظر گرفته شده که هر فرد مسلمان علاوه بر در نظر گرفتن عمل به تکلیف الهی، باید در قبال جامعه نیز پایبند به رعایت پوشش باشد.

در معارف اسلامی، فلسفه وجوب حجاب، پوشاندن عورت و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی در حوزه روابط زن و مرد ذکر شده است. علامه طباطبایی در تفسیر واژه «یواری سواتکم» (نور: ۱۲۱) معتقد است این عبارت وصف برای لباس است و حد آن را مشخص می‌کند. به این معنا که این عبارت بر وجوب پوشاندن همه اعضایی دلالت دارد که برهنه

بودنشان در زنان و مردان زشت و مایه رسوایی است؛ بنابراین هیچ انسانی از پوشش و حجاب بی نیاز نیست (رک: طباطبایی: ۱۳۹۴: ۸/۹۵).

از طرف دیگر، با عنایت به اینکه فلسفه اصلی حجاب در اسلام ساماندهی روابط اجتماعی میان زنان و مردان است و با عنایت به اهمیت، جایگاه و نقشی که اسلام برای زنان در سلامت فردی و اجتماعی قائل شده، تعریف عورت و به تبع آن میزان پوشش در زنان، متفاوت با مردان است و این تفاوت نوعی احترام برای زنان مسلمان لحاظ شده است. در روایتی از پیامبر اکرم (ص) حرمتی برای نگاه به مو و دستان زنان اهل ذمه ذکر نشده و دلیل آن حرمت نداشتن آن زنان در میان مسلمان دانسته شده است (العروسی الحویزی، ۱۴۲۲: ۳/۵۹۰).

برخی اندیشمندان اسلامی از این روایت استفاده کرده‌اند که دستور به حفظ پوشش و رعایت حجاب در برابر نامحرم برای زنان مسلمان نوعی احترام برای آنان است تا در روابط اجتماعی خود با نامحرمان به آنان نگاه حیوانی نشود که البته این احترام برای زن کافر وجود ندارد (رک: جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۴۲۶)؛ از این رو در این نوشتار مخاطب اصلی حجاب، بانوان مسلمان هستند.

## ۲-۱. رابطه نگاه و پوشش

از آنجا که جامعه بشری از زنان و مردانی تشکیل شده که در امور مختلف خانوادگی، کاری، خویشاوندی و امثال آنها ناچار به ارتباط با جنس مخالف هستند و طبیعتاً همه آنان محرم همدیگر نیستند و روابطشان با محدودیت‌هایی همراه است، یکی از فلسفه‌های مهم پوشش و حجاب اسلامی، سلامت فردی و اجتماعی در روابط با جنس مخالف ذکر شده تا علاوه بر تسهیل ارتباط میان زنان و مردان در پیشبرد امور اجتماعی و ایجاد زمینه مشارکت اجتماعی برای بانوان، بتوان این روابط را کنترل و موجبات سلامت و عدم اختلال در انجام وظایف عمومی همه

افراد را فراهم کرد، برخلاف جامعه قبل از اسلام که زنان را از امور اجتماعی و فعالیت های عمومی محروم کرده بودند یا برخی از جوامع غیرمسلمان امروزی که زنان را عمدتاً ابزار برای کسب درآمد یا تبلیغات می بینند.

بر این اساس، در کنار امر به حفظ پوشش و رعایت حجاب متناسب با جنسیت افراد جامعه، خداوند برای تکمیل سلامت اجتماعی افراد و اثربخشی به رعایت پوشش و حجاب، همه مسلمانان، اعم از زنان و مردان، را به حفظ و کنترل نگاه به نامحرم امر کرده و به مؤمنین و مؤمنات دستور داده که نگاه از نامحرم فروبندند (نور: ۳۰-۳۱).

موضوع غصّ بصر در قرآن کریم، اگرچه به ظاهر در زمینه نگاه به نامحرم است، در حقیقت بخش زیادی از آن به موضوع پوشش افراد برمی گردد؛ زیرا در هیچ یک از نظرات فقهی مذاهب اسلامی دیده نشده است که در صورت رعایت پوشش اسلامی، نگاه به نامحرم حرام شمرده شده باشد، مگر آنکه از حالت طبیعی خارج باشد که موضوع بحث این نوشتار نیست.

بنابراین همه زنان و مردان مسلمان همان طور که مأمور به رعایت پوشش و حجاب مورد تأکید اسلام شده اند، به کنترل نگاه در تعامل و ارتباط با نامحرم نیز مأمور شده اند که نشان می دهد ارتباط مستقیمی میان رعایت حجاب و پوشش اسلامی با کنترل نگاه در نحوه تعامل افراد جامعه وجود دارد. به این معنا که اگر فردی حجاب مورد نظر اسلام را داشته باشد، کمتر مورد طمع و نظر دیگران واقع می شود و در انجام فعالیت های اجتماعی نیز محدودیت کمتری دارد و هر میزان که از رعایت پوشش و حجاب فرد کاسته شود، بیشتر مورد طمع و نظر دیگران قرار می گیرد و فعالیت های اجتماعی اش نیز محدودتر می شود.

در تأیید رابطه مستقیم میان نگاه و پوشش، روایتی از امام رضا (ع) وجود دارد که در جواب سؤالات محمد بن سنان هر نوع نگاه به مو و بدن زنان نامحرم را، به جز در مواردی که خداوند استثنا کرده، زمینه فساد و ارتکاب حرام معرفی کرده است (رک: صدوق، بی تا: ۵۶۵/۲) مطابق این

روایت، رابطه پوشش و نگاه نامحرم معلوم می‌شود؛ زیرا در صورت پوشیده بودن مو و بدن، بحث از نگاه نامحرم موضوعیت پیدا نمی‌کند.

گفتنی است که در اصل وجوب ستر عورت در زنان و مردان و نیز کنترل نگاه به نامحرم هیچ اختلافی میان فقهای مذاهب اسلامی وجود ندارد و همه آنان در اصل این موضوع با هم اشتراک نظر دارند؛ از این رو برای رعایت اصل اختصار و پرهیز از طولانی شدن بحث، از ذکر اقوال فقهای مذاهب اسلامی در این زمینه خودداری شده است.

## ۲. شرایط وجوب حجاب

انجام هر کدام از تکالیف الهی دارای شرایطی است که مهم‌ترین آنها بلوغ و تکلیف است. احکام حجاب و رعایت پوشش نیز، مانند دیگر تکالیف الهی، پس از بلوغ و متناسب با جنسیت هر فرد بر همه مکلفان واجب است و تخطی از آن عصیان و نافرمانی خداوند محسوب می‌شود که عقاب متناسب خود را دارد. با عنایت به اینکه موضوع اصلی این نوشتار بحث از پوشش بانوان است، در ادامه علائم عمومی و اختصاصی بلوغ از دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی بررسی شده است.

### ۱-۲. علائم عمومی بلوغ زنان

زنان مسلمان در علائم عمومی بلوغ با مردان مشترک هستند. این علائم شامل مواردی از جمله احتلام، روئیدن موی خشن در نواحی خاصی از بدن و سن بلوغ می‌شود که برخی از آنها مورد توافق همه مذاهب اسلامی است و در برخی دیگر اختلاف نظراتی وجود دارد.

اکثر قریب به اتفاق فقهای امامیه و اهل سنت معتقدند که احتلام به معنای خروج منی از انسان و یکی از علائم مشترک بلوغ زن و مرد است، اما در مورد اتفاق افتادن احتلام در خواب یا



بیداری با هم اختلاف دارند (رک: محقق حلی، ۱۴۰۸: ۸۳/۲؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۳۶۷/۱؛ نجفی، بی تا: ۱۵/۲۶، وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، بی تا: ۱۸۸/۸).

در موضوع انبات یا همان روئیدن موی خشن نیز امامیه به طور مطلق قائل به دلالت آن بر بلوغ هستند و تفاوتی میان مسلمان و کافر قائل نشده‌اند (رک: کاشف الغطاء، بی تا: ۲۵۴/۱)، اما در میان در میان فقهای اهل سنت، فقهای شافعی بین انبات در مسلمان و انبات در کافر تفصیل قائل شده‌اند و معتقدند چون مسلمان با بلوغ صاحب برخی امتیازات در اسلام می‌شود، نباید با اموری مانند تراشیدن و امثال آن باعث تعجیل در انبات شود. آنان انبات عمدی را موجب بلوغ نمی‌دانند، اما از آنجا که انبات در کافر موجب لزوم پرداخت جزیه می‌شود، نشانه بلوغ شمرده می‌شود، هرچند به صورت عمدی اتفاق بیفتد (رک: مکارم شیرازی، بی تا: ۳۳۱/۱؛ شربینی، ۱۳۷۷: ۱۶۷/۲).

در میان علائم عمومی بلوغ در زنان، بیشترین اختلاف نظر را می‌توان در موضوع سن بلوغ دانست. قول مشهور میان فقهای امامیه آن است که سن بلوغ دختران نه سالگی است (رک: طوسی، ۱۴۰۷: ۲۸۲/۳) مستند این قول نیز روایاتی است که جواز همبستری و ازدواج با دختران را در نه سالگی بیان کرده‌اند (رک: حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۰۱/۲۰). گروهی با استناد به روایتی که همبستری با دختر کمتر از ده سال را موجب ضمان عیوب احتمالی بیان کرده، سن بلوغ دختران را ده سالگی دانسته‌اند (رک: طوسی، ۱۳۸۷: ۲۸۲/۲، ۲۸۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۰۱/۲۰). گروه دیگری نیز با استناد به روایت عمار سابطی از امام صادق (ع)، بلوغ دختران را مشروط به اتمام سیزده سال قمری دانسته‌اند، مگر آنکه قبل از این سن حیض برایش اتفاق بیفتد (رک: حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۰۳/۲۰). قول چهارمی نیز از فیض کاشانی است که با جمع میان روایات، سن بلوغ دختران در حدود، حقوق و عبادات را متفاوت دانسته و وجوب احکام مربوط به هر کدام را مشروط به سن خاصی معرفی کرده است (رک: فیض کاشانی، بی تا: ۱۴/۱).

فقه‌های اهل سنت نیز با بیان اینکه منظور از بلوغ همان اهلیت فرد برای انجام تکالیف شرعی یا وجود قوه‌ای است که به وسیله آن انسان از طفولیت خارج می‌شود (رک: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، بی تا: ۱۸۶/۸) نظرات متعدد و مختلفی را برای سن بلوغ بیان کرده‌اند. فقه‌های شافعی تفاوتی میان سن بلوغ مرد و زن قائل نیستند و با استناد به روایتی از ابن عمر که اجازه پیامبر اکرم (ص) به وی برای شرکت در جنگ احد را مشروط به تکمیل پانزده سالگی بیان فرمود، سن بلوغ در مردان و زنان را به طور مشترک همان پانزده سالگی ذکر کرده‌اند (رک: همان: ۱۹۲/۸). مهم‌ترین اشکال این قول این است که اولاً این عمر مذکور بود و نمی‌توان خطاب به وی را به بانوان سرایت داد و ثانیاً اجازه پیامبر اکرم (ص) برای ورود به جنگ با انجام تکالیف شرعی متفاوت است. به طور کلی، می‌توان نظر غالب فقه‌های امامیه و اهل سنت در موضوع سن بلوغ زنان را نه سالگی دانست.

## ۲-۲. علائم اختصاصی بلوغ زنان

بانوان علاوه بر علائم عمومی، نشانه‌هایی اختصاصی نیز برای رسیدن به بلوغ دارند که شامل حیض و حمل می‌شود. فقه‌های امامیه با استناد به روایاتی که حیض را نشانه وجوب صوم و صلات معرفی کرده، آن را نشانه بلوغ زنان معرفی کرده‌اند (رک: حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۵/۱). در فقه امامیه حیض به خون غلیظ و سرخ یا سیاه و سرخی تعریف شده که با حرارت از رحم زن خارج می‌شود (رک: مفید، ۱۴۱۳: ۵۴؛ شهید اول، ۱۴۱۲: ۵۷). فقه اهل سنت نیز با استناد به روایتی از پیامبر اکرم (ص) (ترمذی، بی تا: ۲۱۵/۲)، حیض از نشانه‌های بلوغ دختران معرفی کرده و منظور از آن را همان معنایی دانسته که در فقه امامیه آمده و قید خروج آن در اوقات مخصوص را به تعریف حیض اضافه کرده است (رک: انصاری، بی تا: ۲۳۴/۱).

فقهای تمام مذاهب اسلامی اتفاق نظر دارند که حمل و امکان باردار شدن دختران نشانه بلوغ آنان است (رک: طوسی، ۱۳۸۷: ۲/۲۸۲؛ وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، بی تا: ۸/۱۹۰). محقق حلی این نکته مهم را یادآور شده که علائم اختصاصی زنان در واقع نشانه زمان بلوغ و شروع تکلیف نیستند، بلکه حاکی از آن اند که بلوغ اتفاق افتاده و قابلیت بارداری یا حیض در زن ایجاد شده است (رک: محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲/۸۵). به لحاظ تجربی هم ثابت شده که عوامل مختلفی از جمله نوع تغذیه، شرایط آب و هوایی و منطقه زندگی می تواند موجب تأخیر یا تعجیل در حیض یا آمادگی برای بارداری شوند؛ اما در جایی که نشانه ای از سن، احتلام یا انبات طبیعی وجود نداشته باشد، می توان حیض و حمل را نشانه بلوغ دانست.

### ۳-۲. رابطه بلوغ و پوشش

رابطه موضوع بلوغ و حفظ پوشش از دو جهت قابل بررسی است. جهت اول آنکه انسان در سنین کودکی توان فهم یا انجام تکالیف الهی را ندارد و مصداق آیاتی مانند «لا یكلف الله نفسا الا وسعها» (بقره: ۲۸۶) و روایاتی چون حدیث «رُفِعَ الْقَلَمُ» (صدوق، ۱۳۷۷: ۲/۱۸۴) است و به همین دلیل در دایره مکلفان به احکام الهی، از جمله حجاب، قرار نمی گیرد. جهت دیگر آنکه، همان طور که بیان شد، یکی از فلسفه های مهم لزوم رعایت حجاب در دین اسلام، ایجاد زمینه برای مشارکت همه افراد جامعه، اعم از زن و مرد، در امور اجتماعی و پیشبرد اهداف جامعه اسلامی است که با عنایت به عدم موضوعیت این امر در مورد اطفال، حفظ پوشش و حجاب در مورد آنها مصداق پیدانمی کند.

در فقه امامیه دختر بچه نابالغ مکلف به رعایت پوشش کامل نیست و نگاه دیگران به بخش هایی از بدن او که عادتاً پوشانده نمی شود، جایز شمرده شده است. امام خمینی رعایت پوشش کامل برای دختر بچه را لازم ندانسته و معتقد است نگاه کردن به بخش هایی

از بدن دختران نابالغ که در حالت عادی پوشانده نمی‌شوند (مانند دست‌ها تا بالای آرنج و موی سر) برای مرد جایز است، البته به شرط آنکه بدون تلذذ و شهوت باشد (رک: موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۲/۲۵).

در فقه اهل سنت نیز موضوع حجاب و رعایت پوشش زنان، معطوف به تکلیف است و تا کنون دیدگاه خاصی در زمینه پوشش و حجاب کامل برای افراد نابالغ به دست نیامده است. می‌توان ادعا کرد که تمام فقهای مذاهب اسلامی بر لزوم و وجوب رعایت اصل حجاب و پوشش بر فرد مکلف تصریح کرده‌اند که جایگاه موضوع حجاب بانوان در سلامت از تباطات اجتماعی و فعالیت‌های عمومی آنان را نشان می‌دهد.

البته تذکر این نکته لازم است که رعایت پوشش عورتین در اطفال و نیز حفظ پوشش در برابر ممیزانی که به سن تکلیف نرسیده‌اند، اما قدرت تشخیص دارند از دیگر موضوعات مرتبط با موضوع حجاب و پوشش است که با عنایت به گنجایش نداشتن این نوشتار برای بحث از تمام ابعاد حجاب و پوشش و نیز رعایت اختصار به همین میزان اکتفا می‌شود.

### ۳. انواع و محدوده پوشش بانوان

دین مبین اسلام در تشریح احکام و تکالیف، علاوه بر امکان عمل به آنها، راحتی و به عسر و حرج نیفتادن مکلف را نیز در نظر گرفته است؛ از این رو اولاً هیچ تکلیفی در اسلام غیر قابل انجام یا خارج از قدرت انسان نیست و ثانیاً برای هر کدام از احکام و تکالیف الهی انواع و شرایط خاصی بیان شده تا مکلفان در حالات مختلف امکان انتخاب تکلیف متناسب با آن حالت را داشته باشند و گرفتار عسر و حرج نشوند. در موضوع حجاب و پوشش بانوان نیز انواع، شرایط و حدودی وجود دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

### ۱-۳. کمیت و کیفیت حجاب

تمام احکام و تکالیف دین اسلام را می‌توان در دو بخش کمی و کیفی تبیین کرد که از آنها به واجب و مستحب نیز تعبیر می‌شود و عمل به بخش حداقلی آن لازم و واجب و ترک آنها موجب عصیان و عقاب الهی است؛ اما در تکالیف حداکثری اگرچه لزوم و وجوبی وجود ندارد، عمل به آنها مکملی است برای دستیابی به مقامات بالای انسانی و اسلامی و در تکامل انسان و دستیابی به هدف خلقت بسیار مؤثر است.

تذکر این نکته مهم است که برخی از معارف اسلامی اصولی انسانی هستند که در همه انسان‌ها به طور فطری وجود دارند؛ اما در برخی از جوامع بشری به دلیل شرایط خاص زندگی یا آداب و آیین آنها تحت الشعاع قرار می‌گیرند؛ برای مثال اموری مانند حیا، عفت و پاکدامنی و شأنیت افراد اگرچه حکم خاص شرعی ندارند، از مواردی هستند که بر تکالیفی مانند پوشش و حجاب مترتب هستند و هر میزان که پوشش انسان کامل تر باشد، این امور نیز در او بیشتر تقویت می‌شوند. در روایات فراوانی به اهمیت پوشش اشاره شده است؛ برای مثال امیرالمؤمنین (ع) نحوه و میزان پوشش هر فرد را نشانه‌ای از میزان تدین او معرفی کرده است (رک: حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۰/۵).  
بر این اساس، منظور از تقسیم حجاب به حداقلی و حداکثری، از باب مقایسه پوشش اسلامی با دیگر جوامع بشری نیست؛ زیرا همه انسان‌ها پوشش و حجاب حداقلی برای خود دارند، بلکه در خود اسلام برای پوشش افراد، به خصوص بانوان که مخاطب اصلی این موضوع هستند، حداقل و حداکثری بیان شده است.

حداقل و حداکثر حجاب و پوشش بانوان در دو زمینه کمی و کیفی قابل بررسی است که در این نوشتار از بخش کمی آن به پوشش حداقلی و از بخش کیفی آن به پوشش حداکثری تعبیر شده است؛ منظور از بخش کمی حجاب همان پوشاندن اعضائی از بدن است که از آن به

«عورت» تعبیر شده و از آنجا که نظر فقها در مورد استثنای وجه و کفین یا استثنای وجه و کفین و قدمین متفاوت است، کمیت حجاب نیز قابل بررسی است.

### ۳-۱-۱. کمیت حجاب

فقه‌های مذاهب اسلامی توافق نظر دارند که تمام بدن زن، به استثنای وجه و کفین، عورت به شمار می‌رود و پوشاندن آن در مقابل نامحرم واجب است. از نظر فقه‌های امامیه، پوشش تمام بدن زن واجب است و فقط دست و صورت به دلیل احتیاجی که به آنها برای برطرف کردن نیازهای عادی وجود دارد، از حکم پوشش استثنا شده است (رک: علامه حلی، ۱۴۱۵: ۹۸/۲؛ خویی، ۱۴۱۰: ۲۹۷/۲). برخی حتی پوشاندن دست و صورت را نیز به احتیاط نزدیک تر دانسته‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۴۸۵/۱). در مقابل این احتیاط، برخی معتقدند استثنای زینت ظاهری در آیه «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...» (نور: ۳۱) چه به معنای محل زینت باشد و چه به معنای خود زینت، مهم‌ترین دلیل بر عدم وجوب پوشاندن وجه و کفین است (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۴۵۰/۱۴). در فقه مالکی با استناد به قول مالک بن انس (رک: مالک ابن انس، بی تا: ۹۴/۱) صرفاً وجه و کفین را از وجوب پوشش استثنا کرده‌اند (رک: الرعینی ۱۴۱۶: ۱۸۱/۲؛ ابوالبرکات، بی تا: ۲۱۴/۱؛ دسوقی، ۱۴۱۴: ۲۱۴/۱).

فقه‌های شافعی سه گروه شده‌اند. بنیان‌گذار فقه شافعی علاوه بر وجه و کفین، پشت پاهای زنان را نیز استثنا کرده و پوشش آن را لازم ندانسته است (رک: شافعی، ۱۴۰۳: ۱۰۹/۱). برخی دیگر پوشش پشت پاها را استثنا نکرده‌اند و معتقدند باید پوشش پاها نیز همانند دیگر اعضای بانوان رعایت شود (رک: المزنی، بی تا: ۱۶؛ شربینی، ۱۳۷۷: ۱۸۵/۱؛ نووی، بی تا: ۱۶۵/۳). گروه سوم از فقه‌های شافعی حتی پوشش وجه و کفین را نیز لازم دانسته‌اند (جزیری، بی تا: ۲۹۰/۱) که با این دیدگاه، خود را از تمام فقه‌های مذاهب اسلامی متمایز کرده‌اند.

فقهای حنفی نیز به دو گروه تقسیم شده‌اند. برخی معتقدند که فقط دست و صورت زنان از لزوم پوشش استثنا شده (رک: المصری، ۱۴۱۸: ۴۶۹/۱؛ کاشانی، ۱۴۰۹: ۱۲۷/۵؛ الماردینی، بی تا: ۲/۲۲۵) و گروهی دیگر معتقدند علاوه بر دست و صورت، پوشش پشت پاهای زنان نیز از لزوم پوشش استثنا شده است (رک: حصکفی، ۱۴۱۵: ۴۳۷/۱؛ ابن رشد، ۱۴۱۵: ۹۵/۱). از مجموع آنچه در بحث کتیت و حدود حجاب بیان شد، مشخص می‌شود رعایت اصل و حداقل حدود پوشش که شامل وجه و کفین می‌شود، مورد توافق تمام فقهای مذاهب اسلامی است و فقط در مواردی مانند پشت پاها اختلافاتی وجود دارد که چندان قابل اعتنا نیست.

### ۲-۱-۳. کیفیت حجاب

در بررسی کیفی موضوع حجاب و پوشش، نوع آن در نظر گرفته می‌شود و اموری مانند ضخامت، رنگ و میزان چسپندگی آن قابل بررسی است. با وجود اینکه در آیات و روایات به طور صریح به این موضوع اشاره نشده، فقهای مذاهب اسلامی با استناد به دیگر قواعد فقهی، مانند تبعیت احکام از مصالح و مفاسد و نیز قواعد اخلاقی و اجتماعی حاکم بر جامعه اسلامی، به نوع پوشش لازم در این زمینه اشاره و برای آن شرایطی ذکر کرده‌اند که رعایت آنها موجب سلامت بیشتر و دستیابی به مفاهیم ارزشمندی مانند حیا، عفت و شخصیت می‌شود.

### الف) رنگ لباس

با عنایت به اینکه هر رنگی آثار روحی و روانی خاص خود را دارد (رک: ماکس، ۱۳۷۲: ۸۶؛ ساطعی، ۱۳۸۳: ۲۷) تا کنون منع خاصی در زمینه پوشیدن رنگ خاصی از لباس و پوشش از دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی دیده نشده است و فقط می‌توان مهم‌ترین مبنای فقهای مذاهب اسلامی در پوشش بانوان را جلب توجه نکردن پوشش آنان دانست.

### ب) ضخامت پوشش

به طور کلی می‌توان ادعا کرد که همه فقهای مذاهب اسلامی به لزوم بدن نما و نازک نبودن لباس بانوان تصریح کرده‌اند. علامه حلی با بیان اینکه تمام بدن زن برای مرد جذابیت دارد و ممکن است زمینه طمع و فساد را فراهم کند، معتقد است تمام بدن زنان عورت محسوب می‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۶: ۲۷۱/۴)؛ از این رو بسیاری از فقهای مذاهب اسلامی، حتی در مورد صورت و دست‌ها، معتقدند که اگر نپوشاندن آنها زمینه فساد و فتنه شود، پوشش آنها لازم و واجب است (رک: ابن زهره، ۱۴۱۷: ۲۵/۱؛ دسوقی، ۱۴۲۹: ۲۱۴/۱؛ سرخسی، ۱۳۸۷: ۱۴۵/۱۰؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۷۳۹/۱؛ ابن رشد، ۱۴۱۵: ۳۴/۸؛ شوکانی، ۱۴۱۳: ۲۴۴/۶).

مستند این دیدگاه روایات متعددی است که در آنها به نمونه‌هایی از نحوه مقابله پیامبر اکرم (ص) و اصحاب با پوشش نازک و بدن نما اشاره شده است (رک: ابن عاشور، بی تا: ۱۶۶/۱۸؛ نووی، بی تا: ۱۶۵/۳؛ ابن قدامه، بی تا: ۱۵/۱؛ شافعی، ۱۴۰۳: ۱۰۹/۱)؛ برای نمونه از دحیه کلبی نقل شده که برای پیامبر اکرم لباس‌های نازکی از مصر آورده شد. ایشان یکی از آنها را به راوی داد تا به همسرش هدیه کند، اما تأکید فرمود حتماً لباس دیگری زیر آن بپوشد تا بدنش پیدا نباشد (رک: سجستانی، ۱۴۱۰: ۲۷۳/۲).

### ج) حجم پوشش

فقهای امامیه اتفاق نظر دارند که پوشش زن نباید به گونه‌ای باشد که حجم بدن و اندام‌های وی ظاهر شود و با استناد به آیه ۵۹ سوره احزاب و در تفسیر واژه «جلابیهن» معتقدند که جلاباب پیراهنی بزرگ‌تر از مقنعه است و سر و صورت بانوان را می‌پوشاند. در کنار آن آزار (یا ازار) پیراهن بلندی است که با آن تمام بدن زن پوشیده شده و می‌توان معادل آن را در زبان فارسی همان چادر دانست (رک: طباطبایی بروجردی، ۱۳۸۸: ۲۵۹/۳).



دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی در مورد نمایان بودن حجم بدن در پوشش زنان به دو دسته تقسیم شده است. برخی معتقدند پوشش حجم بدن لازم نیست و اگر حجم بدن زن از روی پوشش او معلوم باشد، مانعی ندارد (رک: سید سابق، بی تا: ۱۲۷/۱؛ شافعی، ۱۴۰۳: ۶/۲؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۷۳۹/۱). گروهی دیگر، مانند ابن عاشور، با استناد به روایتی از خلیفه دوم معتقدند همان طور که نباید پوست بدن زنان از زیر لباس معلوم شود (بدن نما نبودن لباس)، نباید حجم بدن زن نیز معلوم شود (رک: ابن عاشور، بی تا: ۱۶۷/۱۸).

از مجموع آنچه بیان شد و با نگاهی کلان و جامع به موضوع می توان گفت با عنایت به خصوصیات ظاهری بدن زنان، پوشیدن لباس های تنگ و چسپان که موجب پدیدار شدن زیبایی های جسمی آنان شود، جایز نیست و مصداق نمایان کردن زینت است که در آیه کریمه «وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» (نور: ۳۱) از آن نهی شده است. از این جهت پوشیدن لباس تنگ و نمایان کننده حجم بدن رانمی توان مصداقی از حجاب شرعی و مورد نظر اسلام دانست؛ اگرچه تا کنون موردی نیز دال بر حرمت آن از دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی دیده نشده است.

از طرفی نیز یکی از مبانی مهم در کیفیت پوشش بانوان، جلب توجه نکردن و ممانعت از ایجاد فتنه و فساد در پوشش است که فقهای اسلامی آن را در رعایت اموری مانند رنگ لباس، بدن نما نبودن و نشان ندادن حجم بدن بررسی کرده اند.

### ۲-۳. حجاب خاص و حجاب عام

در کتب فقهی مذاهب مختلف اسلامی، مبحث مستقلی برای بحث از پوشش بانوان و احکام و حدود آن دیده نمی شود، بلکه این موضوع عمدتاً در ذیل ابوابی مانند کتاب الصلاة یا کتاب النکاح بررسی و ابعاد مختلف آن ذکر شده است. شاید بتوان سرخسی را تنها فقیهی دانست که موضوع پوشش و حجاب را مطابق فقه حنفی به طور مستقل بیان کرده است (سرخسی، ۱۳۸۷:

۱۴۵). با وجود اینکه بحث از پوشش و حجاب در ذیل ابواب مذکور بیان شده و برخی از فقها رعایت حجاب و پوشش بانوان را منحصر در حالت نماز دانسته‌اند (رک: نجفی، ۱۴۰۴: ۱۶۳)، گروه دیگری از فقها احکام و حدود پوشش را مخصوص نماز و نکاح ندانسته و آن را به دیگر ابعاد شخصی و اجتماعی زندگی بانوان سرایت داده‌اند (رک: ابن حزم، ۱۴۰۸: ۱۲۰).  
با عنایت به تفصیل مذکور، در ادامه حجاب صلاتی و غیر صلاتی، از دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی بیان می‌شود.

### ۳-۲-۱. حجاب خاص (ستر صلاتی)

منظور از حجاب خاص همان پوشش همه انسان‌ها، اعم از زنان و مردان، در زمان نماز است که یکی از شروط و مقدمات نماز به شمار می‌رود و رعایت نکردنش موجب بطلان نماز می‌شود. همه فقهای مذاهب اسلامی در این زمینه نظرات مختلف و متعددی را بیان کرده‌اند.  
فقهای امامیه بر استثنای وجه و کفین از پوشش بانوان در نماز اتفاق نظر دارند و تا کنون اختلافی در این زمینه از آنان به دست نیامده است (رک: علامه حلی، ۱۴۱۵: ۹۸/۲؛ خویی، ۱۴۱۰: ۲۹۱/۲). فقط امام خمینی احتیاط را در پوشاندن وجه و کفین در نماز دانسته است (رک: موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴۸۵/۱). پوشش بانوان در مذاهب فقهی اهل سنت با اختلاف نظراتی همراه است.

فقهای مالکی عورت بودن بدن بانوان در نماز را به دو گونه مغلظه و مخففه تقسیم کرده‌اند. منظور آنان از عورت مغلظه سر، گردن، دور گریبان از جلو و عقب، از آرنج دست به پایین و از قوزک پا به پایین است و معتقدند در صورت ظاهر شدن تمام یا بخشی از عورت مغلظه زن، نماز وی باطل است و باید اعاده شود. عورت مخففه شامل وجه و کفین می‌شود و ظاهر شدن آنها در نماز موجب بطلان آن نیست (رک: دسوقی، ۱۴۲۹: ۲۱۴؛ جزیری، ۱۴۰۳: ۱۷۲/۱)

فقهای مذهب حنفی معتقدند تمام بدن بانوان، حتی موهای آویزان شده از گوش، به استثنای صورت، دست‌ها و روی دو پا عورت به شمار می‌رود و پوشاندن آنها در نماز واجب است (حصکفی، ۱۴۱۸: ۱/۴۳۷).

در مذهب فقهی شافعی فقط وجه و کفین استثنا شده و دیگر اعضای بدن بانوان به طور کامل عورت به شمار می‌رود و پوشاندن نشان در نماز واجب است (شافعی، ۱۴۰۳: ۱/۱۰۹؛ جزیری، ۱۴۰۳: ۲۹۰). شاید سخت‌ترین و محدودترین پوشش بانوان را بتوان در دیدگاه حنابله دانست. اگرچه برخی از فقهای حنبلی، مانند دیگر مذاهب فقهی، وجه و کفین را از پوشش استثنا کرده‌اند (ابن قدامه، ۱۳۹۲: ۱/۱۵)، بیشترشان فقط پوشاندن صورت را از وجوب پوشش بدن بانوان استثنا کرده و پوشاندن دیگر اعضای بدن را به طور کامل واجب دانسته‌اند (رک: جزیری، ۱۴۰۳: ۱/۱۷۲).

از مجموع دیدگاه مذاهب فقهی اهل سنت معلوم می‌شود که آنان فقط در مورد عدم لزوم پوشش صورت بانوان توافق دارند. محدودترین پوشش برای بانوان در دیدگاه حنابله وضع شده است، به طوری که حتی کفین نیز باید پوشانده شود. کمترین محدودیت نیز در مذهب حنفی است که قدمین را نیز از لزوم حجاب و پوشش استثنا کرده‌اند. ریشه این اختلاف دیدگاه در میان فقهای مذاهب اسلامی وجود روایات مختلف این موضوع است که از آنها با کلیدواژه «المرأة عورة» تعبیر شده است (رک: ترمذی، ۱۳۹۵: ۴/۱۹۹؛ عبدالوهاب، ۱۴۱۸: ۵/۱؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۱/۷۳۹).

### ۳-۲. پوشش عام (حجاب اجتماعی)

همان‌طور که بیان شد، بحث از حجاب و پوشش بانوان صرفاً در ابواب فقهی نماز و نکاح بیان شده و بسیاری از مطالب این بخش با موضوع حجاب در نماز (ستر صلاتی) یا کتاب نکاح تداخل دارد؛ اما باید توجه داشت که مطالب این بخش با نگاه اجتماعی و حضور زن در جامعه بیان شده است.

همچنین تا کنون دیده نشده که فقیهی لزوم رعایت حدود پوشش و حجاب را منحصر در نماز و نکاح بداند و منکر ضرورت آنها در غیر از این دو موضوع شود. با عنایت به اینکه پس از ازدواج دایره ارتباط بانوان با افراد جامعه وسیع تر می شود، علاوه بر توضیحاتی که در مورد حجاب بانوان در حجاب صلاتی بیان شد، می توان توضیحات بیشتری را در مورد پوشش اجتماعی زنان در این بخش جست (رک: طباطبایی حکیم، بی تا: ۲۵۲/۵؛ ابن حزم، بی تا: ۴۰۶/۲).

مطابق آنچه در فقه مذاهب اسلامی در مورد پوشش زنان بیان شده، حجاب بانوان به پنج دسته تقسیم می شود: حجاب وی در برابر ۱. خود، ۲. همسر، ۳. همجنس، ۴. محارم و ۵. غیر محارم. این تقسیم بندی به طور مستقل در آثار فقهای مذاهب اسلامی دیده نشده است، اما می توان آن را از مجموع نظرات آنان استخراج کرد. از آنجا که موضوع این نوشتار درباره پوشش اجتماعی است و برای رعایت اختصار، فقط جنبه اجتماعی این موضوع که همان پوشش در مقابل نامحرم است، بررسی می شود.

### الف) رابطه پوشش بانوان با جایگاه اجتماعی آنان

زن مسلمان از دیدگاه اسلام دارای احترام و جایگاه خاصی است و تلاش شده تا حتی در مقابل زنان غیرمسلمان نیز از مقامی ویژه و ممتاز برخوردار باشد. از این جهت، دین مبین اسلام میان زن آزاد و کنیز تفاوت قائل شده و پوشش کنیز مقداری کمتر از زنان آزاد است. این امر علاوه بر اینکه حجاب را یک ارزش و بها برای بانوان مسلمان می داند، کرامت و شخصیت زن مسلمان را از دیدگاه اسلام نشان می دهد.

نکته قابل تذکر این که محدوده های بیان شده برای پوشش بانوان و استثنائات آن در حالت عادی است، اما در جایی که ترس از فساد و فتنه وجود داشته باشد، پوشاندن تمام بدن،

حتی موارد استثنا شده، لازم است و در برخی موارد حتی اصل حضور زن در جامعه محدود می‌شود. از این رو بر خلاف تصور برخی منتقدان موضوع حجاب که آن را نوعی محدودیت برای زنان تلقی می‌کنند، اسلام وجود پوشش بیشتر برای زنان مسلمان را نوعی ارزش بخشی به آنان دانسته است. در فرهنگ عامه جامعه امروز نیز که اگر چیزی هزینه بالاتر داشته باشد، با ارزش تر تلقی می‌شود، زن با حجاب به مراتب هزینه‌ای بالاتر از بی حجاب یا کم حجاب دارد که نشان دهنده اهمیت و جایگاه زن محجبه از دیدگاه همسر، برادر یا پدر او است، وگرنه انسان برای چیزی که اهمیتی در نگاهش ندارد، هزینه چندانی نمی‌کند.

### ب) خصوصیات پوشش اجتماعی زنان

خصوصیات پوشش مناسب بانوان در جامعه را می‌توان از اقوال فقهای مذاهب اسلامی استنباط کرد. به طور کلی تمام فقهای مذاهب اسلامی با استناد به آیات و روایات وارده درباره پوشش بانوان در جامعه معتقدند لباس بانوان نباید بدن نما یا نازک باشد و پوشیدن چنین لباس‌هایی غیرمجاز است (قرطبی، ۱۴۱۵: ۲۴۴/۱۴؛ مسلم، ۱۴۰۷، ج ۱۶۸/۶؛ سیوطی، ۱۴۱۱: ۴۲/۵).

بیشتر فقهای امامیه معتقدند که تمام بدن زن، به جز وجه و کفین، عورت محسوب می‌شود و روایت امام صادق (ع) - که می‌فرماید: «آنچه زیر روسری است، یعنی سر و موها و گردن و کمی از سینه، از زینت است» - به صراحت بر وجوب حجاب تمام بدن زنان، غیر از وجه و کفین، دلالت دارد (رک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ۵۵/۱).

فقهای مالکی معتقدند که تمام بدن زن آزاد، به جز وجه و کفین او، در مقابل مرد اجنبی عورت محسوب می‌شود و پوشاندنش لازم و واجب است. فقهای مالکی نپوشاندن وجه و

کفین زن در جامعه را مشروط به نبود فتنه و نگاه شهوت‌آلود دانسته‌اند و معتقدند که فقط در زنان سالمند پوشاندن وجه و کفین، بدون هیچ شرطی، لازم نیست. البته مالکیان در مواقع ضرورت، مانند معالجه یا خواستگاری که مرد باید زن را ببیند، قائل به جواز نگاه مرد اجنبی به زن شده‌اند (زحیلی، ۱۴۱۸: ۵۸۵/۱؛ ۵۶۱/۳).

فقه‌های حنفی بر لزوم پوشش وجه و کفین اتفاق نظر دارند؛ اما برخی از آنان قدمین (از میچ پاتا نوک انگستان) را نیز از لزوم پوشش استثنا کرده‌اند و برخی دیگر قول صحیح را لزوم پوشش قدمین ذکر کرده‌اند. البته آنان تمام این مطالب را مشروط به عدم خوف از فتنه و فساد دانسته‌اند (حصکفی، ۱۴۱۸: ۴۳۷/۱).

شافعیان در مورد پوشش زنان در نماز و پوشش آنان در اجتماع تفاوت قائل شده‌اند. آنان معتقدند که پوشش وجه و کفین در نماز استثنا شده، اما پوشش آنها را در جامعه و در مقابل مرد اجنبی واجب می‌دانند. آنان فقط در برابر زن اجنبی اجازه نپوشاندن وجه و کفین را داده‌اند (رک: شافعی، ۱۴۰۳: ۱۰۹).

فقه‌های حنابله در زمینه پوشش اجتماعی بانوان بیشترین محدودیت را قائل شده‌اند و معتقدند تمام بدن زنان، حتی وجه و کفین، در برابر اجنبی عورت به شمار می‌رود و پوشاندن آن واجب است. البته برخی از آنان نگاه اجنبی به وجه و کفین بانوان را به شرط عدم لذت و عدم ترس از فساد، مکروه دانسته‌اند. حنابله در برخی امور ضروری، مانند معالجه، قائل به جواز کشف عورت شده‌اند (رک: ابن قدامه، ۱۳۹۲: ۱۵/۱؛ جزیری، ۱۴۰۳: ۱۷۲).

### ج) حجاب اجتماعی در قرآن

برخی از آیات قرآن کریم به طور خاص نکاتی را درباره حجاب و پوشش اجتماعی بانوان و آثار آن تذکر داده‌اند. این نکات در تفاسیر آیات مذکور نیز بیان شده‌اند که مهمترین آنها را

می‌توان آیه «ولاتبرجن تبرج الجاهلیه الأولى» (احزاب: ۳۳) دانست. برخی از مفسران معتقدند از آنجا که برخی از زنان در زمان جاهلیت در جامعه حاضر می‌شدند و زیبایی‌ها و محاسن ظاهری خود را در انظار عمومی به نمایش می‌گذاشتند، آیه مذکور نازل شد و آنان را از انجام چنین اموری نهی کرد. برخی فقها نیز امثال این آیه را مبنای اجتهاد خود در بیان وجوب پوشش و حجاب بانوان قرار داده‌اند (رک: جصاص، ۱۴۱۵: ۲۲۹/۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۳۱/۴). برخی دیگر از فقها بخش پایانی آیه مذکور که می‌فرماید: «فیطمع الذی فی قلبه مرض» را دلیل بر پوشش تمام بدن دانسته‌اند و معتقدند وقتی اموری مانند استفاده از خلخال برای زنان در این آیه و امثال آن، مانند «ولایضربن بارجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن» (نور: ۳۲)، ممنوع شمرده شده، می‌توان همین مبنا را درباره فسادزا بودن هرگونه رفتار، پوشش و حتی نوع سخن گفتن که باعث جلب توجه به زنان در جامعه شود، به کار گرفت و اموری از قبیل پوشش نامناسب و ناقص را در بانوان، که به یقین فساد بیشتری دارد، به طریق اولی در جامعه ممنوع کرد (رک: سجستانی، بی تا: ۲۶۹/۲).

### نتیجه

از مجموع آنچه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که اولاً حجاب نوعی ارزش و کرامت بخشی است که اسلام برای زنان جامعه در نظر گرفته است و ثانیاً باید دلیل رعایت آن را دلیل سهولت بخشی به ایجاد روابط و فعالیت‌های اجتماعی زنان در کنار مردان دانست؛ زیرا پوشش بانوان زمینه طمع به آنان و آزار و اذیت‌های احتمالی را کاهش می‌دهد و نقش آفرینی زنان در امور اجتماعی را تقویت می‌کند.

بر این اساس، تمام مذاهب اسلامی با عورت دانستن تمام بدن زنان، پوشش تمام بدن را برای آنان لازم دانسته‌اند و فقط در مواردی، به دلیل عدم عسر و حرج، استثنائاتی قائل شده‌اند.

همه مذاهب اسلامی، به جز برخی از حنابله، در استثنای وجه و کفین از لزوم پوشش، اتفاق نظر دارند. شافعیان قدمین (مچ تا سرانگشتان پا) را نیز به استثنائات پوشش زنان در جامعه افزوده‌اند و در مقابل، برخی از حنابله حتی پوشاندن وجه و کفین را نیز واجب دانسته‌اند. با عنایت به آنچه بیان شد می‌توان گفت کمترین میزان حجاب و پوشش بانوان همان پوشاندن تمام بدن است، به جز مواردی که در فقه مذاهب اسلامی استثنا شده است؛ اما برای بیشترین میزان رعایت پوشش و حجاب بانوان نمی‌توان حد و مرزی مشخص کرد؛ زیرا به مقتضای فرهنگ، تدین، آداب و رسوم و روحیه افراد جامعه رعایت پوشش بالاتر از حداقل در میان آنها متفاوت می‌شود، به طوری که حتی در جایی صرف حضور بانوان، هرچند با حجاب و پوشش کامل، نیز محدود و گاهی حتی ممنوع می‌شود. به طور کلی، مبنای رعایت حداکثر حجاب و پوشش بانوان را می‌توان ممانعت از ایجاد فتنه و فساد دانست.



## کتابنامه

- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- ابن حزم، علی بن احمد (۱۴۰۸ق)، المحلی فی الآثار، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ پنجم.
- ابن حزم، علی بن احمد (بی تا)، المحلی، بیروت: دار الفکر.
- ابن زهره، حمزة بن علی (۱۴۱۷ق)، غنیة النزوع، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، التحریر و التنویر، بی جا: بی نا (نسخه قدیم).
- ابن قدامه، عبدالله (۱۳۹۲)، المغنی، بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن قدامه، عبدالله (بی تا)، عمدة الفقه، طائف عربستان: مکتبة الطرفین.
- ابوالبرکات، احمد بن محمد (بی تا)، الشرح الکبیر، بیروت: دار احیاء الکتب العلمیه.
- ابن رشد، محمد بن احمد اندلسی (۱۴۱۵ق)، بداية المجتهد و نهاية المقتصد، بیروت: دار الفکر.
- انصاری، زکریا (بی تا)، فتح الوهاب شرح منهج الطلاب، بیروت: دارالفکر.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، انوار التنزیل، تحقیق محمد عبدالرحمن مرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۳۹۵)، سنن ترمذی، مصر: انتشارات شرکت مکتبه و مطبعة مصطفی البابی الحلبي، چاپ دوم.
- ترمذی، محمد بن عیسی (بی تا)، الجامع الصحیح سنن الترمذی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جزیری، عبد الرحمن (۱۴۰۳)، الفقه علی المذاهب الاربعه، جلد ۴، بیروت: انتشارات دارالقلم.
- جصاص، احمد بن علی (۱۴۱۵ق)، احکام القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸ش)، زن در آیین جلال و جمال، قم: دار الهدی.
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۷۴)، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران: انتشارات سروش، چاپ ششم.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق و تصحیح مجموعه پژوهش مؤسسه آل البيت (ع)، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول.

- حسنلو، امیرعلی (۱۳۹۲ش)، پوشش و تغذیه در سیره معصومان (ع)، محمدباقر انصاری، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حصکفی، محمد بن علی (۱۴۱۸ق)، الدر المختار فی شرح تنویر الابصار، بیروت: دار الفکر.
- حصکفی، محمد امین (۱۴۱۵ق)، الدر المختار، بیروت: دار الفکر.
- دسوقی، محمد (۱۴۱۴ق)، حاشیه الدسوقی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- دسوقی، محمد بن احمد (۱۴۲۹)، حاشیه دسوقی بر شرح کبیر، قاهره: دار الفکر.
- الرعینی، محمد الحطاب (۱۴۱۶ق)، مواهب الجلیل، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۸)، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق: دار الفکر.
- ساطعی، عشرت (۱۳۸۳)، روان شناسی رنگ ها، زنجان: انتشارات نیکان کتاب، چاپ اول.
- سجستانی، ابوداود سلیمان (بی تا)، سنن ابی داوود، بیروت: انتشارات دار الکتب العربی.
- سرخسی، ابوبکر (۱۳۸۷)، اصول السرخسی، قم: مؤسسه تبیان.
- سید سابق، دکتر محمود ابراهیم (بی تا)، فقه السنه، بیروت: دار الکتب العربی.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۱ق)، الاتقان فی علوم القرآن، قم: زاهدی.
- شافعی، محمد بن ادريس (۱۴۰۳)، کتاب الأم، بیروت: دار الفکر.
- شربینی، محمد بن احمد (۱۳۷۷ق)، مغنی المحتاج، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- شوکانی یمنی، محمد بن علی (۱۴۱۳)، نیل الاوطار، مصر: انتشارات دار الحدیث.
- شهید اول، محمد بن مکی عاملی (۱۴۱۲ق)، البیان، تحقیق و تصحیح محمد حسن، قم: انتشارات محقق، چاپ اول.
- صدوق، محمد بن علی (بی تا)، علل الشرایع، قم: انتشارات داوری.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۷ش)، خصال، تحقیق محمدباقر کمره ای، تهران: انتشارات کتابچی.
- طباطبایی بروجردی، حسین (۱۳۸۸)، تبیان الصلاة، قم: ارغوان دانش.
- طباطبایی حکیم، سید محسن (بی تا)، مستمسک عروه الوثقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

بررسی تطبیقی انواع و آثار اجتماعی پوشش بانوان از دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی / ۱۰۵

- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۴ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ دوم.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، الخلاف، تحقیق و تصحیح علی خراسانی و دیگران، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- طوسی، محمد (۱۳۸۲ق)، تفسیر التبیان، تحقیق احمد حبیب قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عبدالوهاب، محمد (۱۴۱۸)، شروط الصلاه و ارکانها و واجباتها، ریاض: جامعه الامام محمد بن سعود.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۵ق)، مختلف الشیعه، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۶)، منتهی المطلب، تبریز: نشر حاج احمد.
- العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۲۲ق)، تفسیر نور الثقلین، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی (بی تا)، مفاتیح الشرایع، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۱۵)، الجامع لاحکام القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- کاشانی، ابوبکر (۱۴۰۹ق)، بدائع الصنائع، پاکستان: المكتبة الحبییه.
- کاشف الغطاء، جعفر بن خضر (بی تا)، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (ط - الحدیثه) قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- الماردینی، علاء الدین (بی تا)، الجوهر النقی، دمشق: دار الفکر.
- ماکس، لوشر (۱۳۷۲ش)، روانشناسی رنگها، ترجمه ویدا ابی زاده، تهران: بی نا، چاپ چهارم.
- مالک ابن انس (بی تا)، المدونه الکبری، بیروت: دار حیاء التراث العربی.
- محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تحقیق و تصحیح عبدالحسین محمد علی بقال، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
- المزنی، اسماعیل (بی تا)، مختصر المزنی، بیروت: دارالمعرفه.

- مسلم، بن حجاج قشیری نیشابوری (١٤٠٧ق)، صحیح مسلم، بیروت: مؤسسة عزالدین.
- المصری، ابن نجیم (١٤١٨ق)، البحر الرائق، بیروت: دار احیاء الکتب العلمیه.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (١٤١٣ق)، المقنعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر (١٣٧٦)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (١٤٢٤)، کتاب النکاح، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (بی تا)، تفسیر نمونه، بی جا: انتشارات دارالعلم.
- وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، موسوعة الفقهية الكويتية (بی تا)، الكويت: دار السلاس، چاپ دوم، (نرم افزار الشاملة).
- موسوی خمینی، روح الله (١٣٨٥)، تحریر الوسیله، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خویی، ابوالقاسم (١٤١٠ق)، منهاج الصالحین، قم: نشر مدینه العلم.
- نجفی، محمد حسن (١٤٠٤ق)، جواهر الکلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نووی، یحیی بن شریف (بی تا)، المجموع، بیروت: دار احیاء التراث العربی.